

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۴/۰۲

احسان لمر

زندگی سید جمال الدین افغانی در پاریس بروایت از هما ناطق و اسناد پولیس فرانسه

اهتمام احمد نظیف

مطالب ذیل را از صفحه انترنتی تازه به دست آوردم نظر به اهمیت و چند نکته جالب آن، خواستم با شما عزیزان در میان بگذارم. ممنون از توجه تان.

"کوچه های خاکستری پاریس زیر لایه ای قطور از برف و یخ پنهان شده بود کوچه های خاکستری پاریس زیر لایه و باد های سردی که از کناره های قطب می آمدند در یکی از گردش های سرمای ماه بیرحم فوریه شهر را گز می کردند.

زمستان ۱۸۸۳ به نظر با زمستان های دیگری که شهر سپری کرده بود فرقی نداشت، اما برای مرد عمامه سیاهی که با روحیه ی جوانان انقلابی پا به پیری می گذاشت متفاوت بود و نقطه عطفی برای او به شمار میآمد. سید جمال الدین حسینی افغانی (اسد آبادی؟) به تازگی بعد از سفر دریایی طولانی از خاور دور به پایتخت جمهوری سوم فرانسه رسیده بود.

افغانی شخصی عادی نبود، او یکی از جنجالی ترین چهره های تاریخ معاصر مسلمانان است و پیش از رسیدن به پاریس تاریخ ای آگنده از فعالیت سیاسی و فکری را با خود از پایتخت های پرلهپب شرق، از آستانه عثمانی "استانبول" تا حیدر آباد هند و قاهره، به دوش کشیده بود و بر نخبگان مذهبی مترقی این پایتخت تأثیر سیاسی گذاشته بود.



هما ناطق، پژوهشگر تاریخ ایرانی، سال ۱۹۶۹ پایان نامه دکترای خود درباره ی سید جمال الدین (اسد آبادی بقول آنها - لمر) را توسط انتشارات مشهور فرانسوی "میزونوف و الروز" منتشر کرد و ماکسیم رودنسون Maximrodinson ، مستشرق مارکسیست فرانسوی، بر آن مقدمه نوشت.

این پژوهش پرده از مجموعه اسنادی پیرامون زندگی افغانی در پاریس برداشت که برای اولین بار منتشر می شدند. از میان پیوست هایی که هما ناطق به کتاب خود ضمیمه کرده بخش مربوط به اسناد امنیتی بیشتر به چشم میآید. این بخش شامل گزارش های دستگاه های امنیتی فرانسه درباره ی فعالیتها و روابط افغانی است.

با وجود پژوهشهای متعددی که درباره ی سید جمال الدین افغانی و زندگی اش شده، به ویژه مواضع او درباره مسائل آن روزگار جهان عرب مانند استعمار انگلیس و انقلاب عربی مصر و رابطه اش با خدیوی توفیق "۱۸۵۲ - ۱۸۹۲" و انقلاب المهدی در سودان "۱۸۸۵-۱۸۸۱". اما بسیاری از اسناد پایان نامه ی هما ناطق برای چندین دهه از چشمان مخاطب عرب زبان دور مانده بود .

محمد الحداد، محقق تونسی، سال ۱۹۹۷ و هم زمان با صمدین سالگرد درگذشت

"رنست رنان Ernest Renan- ۲۷

فبروری ۱۸۲۳ - ۲ اکتبر ۱۸۹۲"

جمال الدین افغانی کتابچه ای با عنوان "افغانی صفحه های نا شناخته از زندگی، پژوهشها و اسناد" منتشر و تلاش کرد به روش خود برای جمال الدین افغانی بزرگ داشت بگیرد و چندین سند درباره زندگی این شخصیت را به زبان عربی برگرداند. از جمله ی این اسناد، اسناد امنیتی بود که مربوط به زندگی او در پاریس میشدند و در رساله ی هما

ناطق آمده بود. علاوه بر این، اسناد دیگری هم مربوط به کشمکش های فکری افغانی با جامعه نخبگان فرانسوی بودند که مشهورترین آنها مناظره های مکتوب او با مورخ فرانسوی ارنست رنان پیرامون اسلام و علم در سال ۱۸۸۳ بود.

بسیار فرهیخته و مسلط به هشت زبان

روز بیستم جون ۱۸۸۳ مدیر امور جنایی پلیس لندن نامه ای به رئیس پلیس فرانسه می نویسد و از او برای ارائه اطلاعاتی درباره جمال الدین افغانی در خواست کمک می کند. او دلیل این درخواست خود را ارسال نامه های تهدید آمیز از سوی سید جمال الدین برای شماری از شخصیت ها در مصر اعلام می کند. دستگاه های امنیتی فرانسه شروع به تحقیق درباره ادعا های مطرح شده از سوی انگلیسی ها کرده و در نامه ی بسیار مختصری به تاریخ بیستم جوالی ۱۸۸۳ پاسخ شان را ارسال میکنند. رئیس پلیس فرانسه در آن نامه به همتای خود در لندن میگوید: "مایه خرسندی است که در این نامه نتایج تحقیقی را برای شما نقل کنم که به همین منظور دستور دادم تهیه شود. سید جمال الدین مردی صاحب قلم است، تبارش از افغانستان، ۴۵ ساله و مجرد. از روز ۱۷ فبروری ساکن ساختمان شماره ۱۶ خیابان سز "Rue de Séze" در بخش دهم پاریس شده و اجاره ای به مبلغ پنجاه فرانک می پردازد. این خانه را به نام "جمال الدین" اجاره کرده و از کلکته "هند" آمده و پیش از این به پاریس نیامده بوده. گفته می شود که بسیار فرهیخته است و با هشت زبان آشناست، اگر چه فرانسوی را به سختی صحبت میکند. با آقای یعقوب صنوع، استاد زبان عربی و سر دبیر روزنامه ای عرب زبان که دفترش در خیابان چهل و هشتم "boulevard de Clichy Paris" بلوار کلیشی پاریس قرار دارد، در نوشتن چندین مقاله ضد انگلیس همکاری کرده است. روزانه میزبان تعدادی مهمان است و به نظر مرفه میاید. رفتار روزانه و اخلاقش مایه ی هیچ گونه برداشت منفی نیست"

یعقوب صنوع الحداد در توضیح سند امنیتی فرانسه میگوید: "فرانسه در آن زمان، با دادن اجازه ی اقامت در خاکش به برخی مخالفان اشغال مصر در سال ۱۸۸۲ به دست بریتانیا و نظارت بر فعالیت های آنها علیه انگلستان، عزم خود را برای فریب انگلیسیها جزم کرده بود. جمال الدین افغانی از این شرایط استفاده میکند و مقیم پاریس میشود. از این گزارش مشخص می شود که پاریس تا آن زمان افغانی را به عنوان عنصر خطرناک در نظر نگرفته بود؛ اگر چه اطلاعات درباره او بسیار اندک به نظر میرسید" در سند فرانسوی نام یعقوب صنوع،^۱ یکی از همراهان افغانی در پاریس از زمان ورودش به آن شهر، به چشم می خورد. صنوع که یک یهودی مصری و از پیشگامان تئاتر طنز بود نقش مهمی در استقبال از افغانی و معرفی او به نخبگان فرانسه و مطبوعات ایفا میکند.



یعقوب صنوع "اول جنوری ۱۸۳۹ - ۱ جنوری ۱۹۱۲"

افغانی همچنین در تهیه ی مطلب برای نشریات "ابو نظاره" و "الوطنی المصری" که در پاریس منتشر می شدند و مخالف حضور بریتانیا در مصر بودند، به یعقوب صنوع کمک می کرد"

این مرد اصلاً مسلمان نیست

" پس از این اتفاقات، دستگاه امنیتی فرانسه فعالیت و روابط افغانی را به دقت زیر نظر میگیرد. یک سال پس از ورود سید جمال الدین به پاریس، پلیس این شهر در روز ۲۸ مارس ۱۸۸۴ طی یادداشتی سرگذشت و باورهای او پیش از رسیدن به فرانسه را بررسی میکند، نویسنده ی این یادداشت میگوید: "جمال الدین (...). دارای روحیه ای بسیار آزاد است که او را از دیگر هم کیشانش متمایز میکند. در دورهای با آنها در نرفتشان از بیگانگان همراه شده است. انگلیسی ها اولین کسانی بودند که از آغاز راه مبارزه ی بی وقف ای او مورد دشمنی اش قرار گرفتند. اشغال هند از سوی انگلیس هیچ دشمنی به سرسختی و پافشاری او به خود ندیده است (...). حتی گفته میشود او مانند دوستش احمد مهدی سودانی "رهبر مذهبی طریقت سامانیه در سودان" مدعی نبوت شده است. مقامات انگلیسی در جستجوی افغانی تلاشهای بسیاری کردند و او فقط به برکت وفاداری هم کیشانش، که وی را برای مدتی مخفی و سپس فرصت سفر دریایی را برایش مهیا می کنند، نجات می یابد. او به آستانه عثمانی "استانبول" می رود و مورد احترام فراوان قرار می گیرد. سلطان عبدالعزیز در نهایت احترام از او در کاخش پذیرایی میکند. هم چنین جانشینان عبدالعزیز به همین شیوه با او رفتار می کنند؛ به این امید که در صورت لزوم از نفوذش در میان مسلمانان هند، متحدان عزیز

¹ - یعقوب صنوع روزنامه نگار، نمایش نامه نویس و سیاستمدار اهل مصر بود.

شان، علیه انگلیس استفاده کند. این در حالی بود که انگلیسی ها تحرکات او در استانبول را زیر نظر داشتند و چندین بار از دولت عثمانی می خواهند او را بازداشت و تبعید کنند، اما تلاش آنها بی فایده بود" در ادامه گزارش دستگاه امنیتی فرانسه ادعا شده که سید جمال الدین همان دوران به عنوان استاد در یک مدرسه منصوب می شود و یک بار هنگام تدریس اصول اسلام، تحت تاثیر تشویق های اعضای جنبش ترکان جوان، حرف هایی درباره پیامبر اسلام میزند که بهانه را برای بازداشتش مهیا می سازد. در ادامه ی سند این چنین آمده که «سید جمال الدین رسوایی بزرگی به راه میاندازد و سفارت انگلیس فرصت را برای به تصویر کشیدن جمال الدین به عنوان مردی خطرناک و مستحق مجازات مناسب می بیند»

در پاریس با خلیل غانم دیدار می کند؛ جمال الدین او را در استانبول به عنوان کاتب اسعد پاشا، یکی از وزرای عالی رتبه ی سابق و رئیس بخش بورسی های عثمانی در پاریس، می شناخت. خلیل غانم در سال ۱۸۷۷ به عنوان نماینده ی سوریه در مجلس عثمانی منصوب میشود و چون مورد خشم سلطان قرار گرفته بود، برای جلوگیری از به زندان افتادن یا اتفاقی بدتر از آن، مهاجرت را انتخاب میکند و در پاریس بود. خلیل غانم نویسنده روزنامه "دبا Debats" ستونهای آن را در اختیار جمال الدین میگذاشت تا مقاله هایی پیرامون دین اسلام منتشر کند؛ مقاله هایی که مسلمانان از آنها با تنفر و وحشت یاد میکردند و آن را خیانتی از هم کیش خود می دیدند. در آن زمان یکی از این مقاله ها برای یک کارمند عالی رتبه عثمانی در سفرش به پاریس خوانده می شود. او پس از شنیدن این مقاله فریاد می کشد "این مرد اصلاً مسلمان نیست"

خلیل غانم پس از مهاجرت اجباری اش تبدیل به یکی از مدافعان سرسخت استقلال عربها از امپراطوری عثمانی می شود و با شروع فعالیتش به عنوان یکی از دبیران روزنامه فیگارو خود را به دولت فرانسه نزدیک میکند. برادر او شکری غانم، نماینده نویسنده لبنانی که از سرزمین شام به مصر و سپس پاریس می گریزد و در نهایت به عنوان مترجم در دفتر فیگارو در تونس مشغول به کار میشود، نیز همین طرز تفکر را دنبال میکرد

از سرپازان المهدی

وقتی افغانی به پاریس رسید، انقلاب المهدی در سودان روزهای اوج خود را سپری میکرد "۱۸۸۵-۱۸۸۱" محمد احمد المهدی، مؤسس فرقه المهدیه سال ۱۸۸۱ علیه سلطه مصر بر سودان قیام میکند؛ قیامی که بعد ها به مبارزه علیه اشغال انگلیس تبدیل میشود. او در اوایل سال ۱۸۸۳ موفق میشود ارتش مصری مورد حمایت انگلیس به فرماندهی افسر انگلیسی "هکس پاشا" را در شورش "اللبیض" شکست دهد. پیروزیهای المهدی پس از شکستهای اعراب و مسلمانان در اواخر قرن نوزدهم موجب فوران احساسات بخشهای بزرگی از فرهیختگان عرب و مسلمان در آن زمان، از جمله جمال الدین افغانی، میشود.

نویسنده یاد داشت سازمان اطلاعات فرانسه در این زمینه مینویسد: "جمال الدین با آقای "روشفو Rochefort" آشنا میشود و چندین بار در روزنامه "ان ترانسیران intransigeant" مقاله مینویسد.

جمال الدین از انگلیس همزمان با اولین پیروزی های المهدی در سودان برانگیخته می شود و او به همان شور و هیجان اولی اش نسبت به اسلام برمی گردد تا با آن در برابر انگلیس بایستد؛ زیرا این تنها ابزار برای تحریک توده های سودانی بود که دین و میهن پرستی را در هم می آمیختند. جمال الدین افغانی به پیشوای سیاه پوست، المهدی، می پیوندد و احتمالاً به ملاقات او در پایگاهش میرود و خود را به عنوان نماینده و پشتیبان المهدی در پاریس منصوب میکند و نشریه ای به زبان عربی با نام "العروه الوثقی" منتشر میکند»

روشفور که از او نام برده شد همان هانری روشفور "۱۸۳۱-۱۹۱۳" است که با افغانی رابطه ای نزدیک داشت و نویسنده ای اصلی نشریه ای "ان ترانسیران" به معنای "سازش ناپذیر" بود؛ او سوسیالیستی سرسخت و یکی از ستونهای "کمون پاریس" بود. این یادداشت از نقش افغانی در ساختن پل های اعتماد میان امام محمد المهدی و فرانسه تمجید کرده و میگوید: "ما به خاطر نفوذ و منزلتی که فرانسه نزد المهدی یافته، مدیون او هستیم. یاد داشتی که چند روز پیش از مصر رسیده می گوید المهدی به نمایندگان ژنرال گوردون "فرمانده ارتش بریتانیا در سودان" گفته که او هرگز با انگلیسی ها مذاکره نه می کند اما آمادگی دارد با فرانسویها درباره ی صلح گفت و گو کند. در این تلگراف خبری همچنین گفته شده فرانسه احترامی که المهدی برایش قائل است را مدیون نماینده خود در خرطوم آقای "هربین Herbin" است، اما در واقع محال بود که آقای هربین بتواند از خرطوم با امام "المهدی" در تماس باشد و این احترام فرانسه نزد انقلابی ها به جمال الدین برمی گردد.

همچنین باید اضافه کنم که اطمینانی که روزنامه "ان ترانسیران" و پسر آقای روشفور (اولیویه پان – Olivier Pain) به پادگان سودان داده و بیشک روز پیش از رسیدن خبر آنها حامل توصیه نامه هایی از سوی جمال الدین هستند. دستگاه اطلاعاتی فرانسه همچنین در یادداشت خود به "بازی سیاسی" که افغانی برای حمایت از المهدی به آن دست زد اشاره میکند. براساس این سند او تلاش میکرد با تکیه بر روحیه ی عملگرای خود تضاد بین ترکیه و انگلیس را به اوج برساند.

نویسنده ی یادداشت تلاش میکند این مصلحت گرایی را تحلیل کند: "جمال الدین مثل همه شرقی هاست؛ وقتی خود را در خصومت ورزیدن ناتوان می بیند می تواند تعارف کند. دیدیم چطور افکار لیبرالی خود را قربانی ساخت و به یک مسلمان آتشین تبدیل شد. پس از آنکه در استانبول از خود چهره متفکر آزاد اندیش نشان داد، مسیرش را با تنفر

از انگلیسیها و در دست گرفتن حق سخن گویی المهدی ادامه داد. شکی در این نیست که وقتی مصر و سودان از اشغال انگلیس رها شوند، جمال الدین علیه ترک هایی می شود که انقلابی های سودانی امروز برای پیروزی بر انگلیس به حمایت آنها نیاز دارند؛ اگرچه این حمایت تاکنون صرفاً سیاسی بوده است.

به نظر میرسد نقشهای که اکنون المهدی و جمال الدین دنبال میکنند، بستن راه بر هرگونه فعالیت برای رسیدن به توافق بین ترکیه و انگلیس پیرامون مسئله سودان باشد.

ابهام در منابع مالی العروه الوثقی

پس از مدتی همکاری با نشریات یعقوب صنوع، افغانی در ماه مارس ۱۸۸۴ به سمت تأسیس روزنامه مختص به خود، "عرو الوثقی" می رود. سند امنیتی فرانسه که در همان ماه نوشته شده می گوید:

دفتر نشریه در ساختمان شماره 6 خیابان مارتل پاریس Rue Martel است، هدفش براساس آنچه در معرفی خود نوشته، مبارزه با انگلیسی های اشغالگر در مصر و مبارزه با سلطانی است که خلافت را غصب کرده است. او سپس مسلمانان را برای پیوستن به دعوت المهدی و پذیرفتن او به عنوان منجی که قرآن مژده ظهورش را داده تشویق میکند. روزنامه به شکل بسته های کالا به کشورهای عربی و شمال آفریقا فرستاده می شود. از این نشریه دو شماره منتشر شده که نشان میدهند جمال الدین به وعده خود در تحریک علیه انگلیس عمل کرده، اما بر خلاف انتظاری که

از معرفی نشریه میرفت همان نقد را متوجه سلطان نکرده است. این تغییر موضع شایعاتی را تأیید میکند که پیش از این درباره ی توافق احتمالی بین المهدی و سلطان عثمانی به آن اشاره کردم. بر این اساس شایسته است مطرح شود چه کسی منابع مالی نشریه پرهزینه عربی جمال الدین را تأمین میکند؟ آیا المهدی منابع مالی دارد؟



این مسئله مورد شک و شبهه است. در سندی دیگر که دکتر محمد الحداد در کتاب خود منتشر کرده با روایتی روبه رو می شویم که می تواند پاسخ معمای تأمین منابع مالی مبهم العروه الوثقی باشد؛ نام های که روز ۲۹ نوامبر ۱۸۸۴ از سوی شخصی مقیم ایتالیا، که به نظر میرسد یکی از همدستان سابق افغانی باشد، به هیئت تحریریه "روزنامه پاریس" رسیده و پرده از منابع مالی مصری تنها نشریه عربی بر می دارد. نویسنده ی نام های که روز نامه فرانسوی در تاریخ سوم دسامبر همان سال منتشر کرده نشان میدهد حامی مالی نشریه اسماعیل پاشا خدیوی مصر است که سال ۱۸۷۹ از قدرت کنار زده شد. فردی که در آن زمان یکی از دلایل های مقیم شهر ناپولی ایتالیا بود موفق میشود از خدیوی هدیه های به مبلغ یک میلیون فرانک برای جمال الدین به دست آورد. نویسنده ی ناشناس یادداشت میگوید:

وقتی شیخ از مضیقه مالی رهایی می یابد از دوستی در بیروت که "محمد عبده" بود میخواست برای کار در نشریه بیاید، اما انتشار نشریه پس از مدتی به دلیل کمبود منابع مالی در معرض تهدید قرار میگردد، چون براساس مدارک اسماعیل پاشا، که بر اثر اصرارهای فراوان تنها دو هزار فرانک اضافی می پردازد، قبول نمی کند هدایای بیشتری به افغانی بدهد .

این مسئله منجر به کمک خواستن افغانی از ژنرال حسین التونسی میشود. حسین التونسی، معاون سابق خیر الدین پاشا وزیر تونس، اولین والی تونس و یکی از کسانی بود که در آزاد سازی برده ها نقش داشت.

التونسی که ثروت کلانی داشت، پس از ورود اشغالگران فرانسوی به تونس، به ایتالیا تبعید میشود. افغانی به منظور حل مشکل کمبود بودجه نشریه اش با او تماس میگیرد، اما با این حال چاپ نشریه ی افغانی در بیستم اکتبر ۱۸۸۴ متوقف می شود، آن هم در حالی که هنوز اولین سالگرد فعالیتش را جشن نگرفته بود"²

پایان



² — <https://acrobat.adobe.com/link/review?uri=urn3%AAaid3%Asc3%AUS%3A544c-8835>

د پانو شمیره: له 5 تر 5
افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ